

خشونت و پشیمانی: چرخه‌ای که فقط با پذیرفتن مسئولیت نجات خود، آن را می‌شکنید

Photo: Vertolet/Bigstockphoto.com

خانه امن: پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

پرسش: دوازده سال قبل با همسرم بعد از دوره کوتاه دوستی که فقط به صورت تلفنی بود ازدواج کردم. بارها مادرم با این ازدواج مخالف کرد اما من بعد از اصرارهای زیاد سرانجام با او ازدواج کردم. بعد از تولد فرزندم اوضاع تغییر کرد و او خشونت را به صورت آشکار آغاز کرد.

حتی يك بار نوزاد دو ماهه را که گریه می‌کرد را زد وقتی من اعتراض کردم. داد زد: «خاک برسرت که عرضه ساکت کردن بچه را نداری.» هر بار که به خانه پدرم می‌رفتم او مرا با عذرخواهی و گل بر می‌گرداند. به دفعات من و فرزندم را مورد آزار فیزیکی قرار داد. این روند زدن و بعد عذرخواهی ادامه پیدا کرد. اما من به خاطر فرزندم تحمل می‌کردم. هر بار که می‌خواست به او حمله کند من سپربلای او می‌شدم.

فرزند من خیلی بالغ هست و من با او درددل می‌کنم. از من که گذشته اما نگران آینده بچه‌ام هستم. باید چه کار کنم؟

پاسخ: دوست عزیز بسیار متاثر شدم. دوستی‌های تلفنی و اینترنتی معمولا کانال مناسبی برای انتخاب همسر نیستند. پدیده ارتباط اینترنتی در حال حاضر اجتناب‌ناپذیر است ولی توصیه همیشگی من این است که دیدار اول حتما حضوری باشد. بعد از مقدمات آشنایی به صورت واقعی و نه مجازی، اگر شرایط ایجاب می‌کند می‌توان صحبت‌ها را از طریق اینترنت انجام داد که البته هرچه کمتر باشد، بهتر است. ارتباط اینترنتی و تلفنی محدودیت‌های زیادی دارد.

والدین معمولا خواستگار دخترشان را بدون جهت رد نمی‌کنند. آنها حتما دلایلی دارند که باید در نظر گرفته شود. متأسفانه در اغلب موارد نگرانی آنها به جا بوده و ازدواج به شکست می‌انجامد. نکته مهم دیگر در این میان، برخورد پدر و مادر است. اگر والدین نه به خاطر سلیقه شخصی، بلکه با دلایل محکم با ازدواج فرزندشان مخالفند به هیچ عنوان نباید تسلیم شوند. اتفاقا اصرار بیش از حد خواستگار، خودش می‌تواند یک زنگ خطر باشد. همچنین در صورت سرگرفتن ازدواج، خانواده‌ها نباید با فرزند خود قطع رابطه کنند و حمایت خود را از او دریغ کنند. در این رابطه مدتی پیش با خانه امن مصاحبه‌ای داشتم که می‌توانید [مطالعه کنید](#).

بچه‌دار شدن از مهمترین تصمیمات است

زود بچه‌دار شدن پس از ازدواج یکی دیگر از اشتباهات رایج زوج‌های جوان است که می‌تواند پیامدهای بدی داشته باشد. اصولا حتی اگر زن و شوهر با هم مشکلی نداشته باشند، بچه‌دار شدن یکی از مهمترین تصمیمات زندگی است که نیاز به مطالعه، مشاوره، بررسی، توافق و از همه مهمتر بلوغ فکری، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی دارد. این‌ها هیچ‌کدام در عرض یکی دو ماه حاصل نمی‌شوند. در صورتی که نشانه‌هایی از رابطه نابرابر و خشن در یک زوج مشاهده شد، باید به صورت جدی از بارداری پیشگیری شود. توصیه‌هایی مثل «بچه دار شوید درست می‌شود» کاملاً بی‌اساس است. در دنیا هیچ مشکلی نه با ازدواج و نه با بچه دار شدن حل نمیشود، بلکه به دلیل افزایش پیچیدگی و استرس، بدتر هم خواهد شد.

درمان تخصصی

هنگام بروز خشونت خانگی، ترک منزل از سوی قربانی و گل و شیرینی بردن فرد خشونت‌گر به همراه قول و قرارهای محکم گذاشتن، تقریباً یک کلیشه است. کلیشه دیگری که در این میان بسیار رایج است، قبول کردن آن قول و قرارها از سوی قربانی و خانواده او و بازگشت وی به همان شرایط قبلی است. کسی که همسر و فرزندش را کتک می‌زند، نیاز به درمان تخصصی دارد. این فرد حتی اگر واقعا بخواهد،

بدون کمک تخصصی قادر به تغییر ناگهانی و قطعی رفتارهای خود نیست.

اشتباه بزرگ قربانیان خشونت خانگی، تحمل کردن است. دلیل اینکار هم اغلب «بخاطر بچه هایم» عنوان می شود. به یاد داشته باشید که عقب نشینی در مقابل یک فرد خشونت گر باعث پیشروی بیشتر او و افزایش خشونت می شود. هرگز کوچکترین مورد خشونت خانگی که الزاما هم فیزیکی نیست را تحمل نکنید و اتفاقا به خاطر فرزندتان وضعیت را هرچه زودتر تغییر دهید. چطور میتوان گفت کودکان در این خانواده ها آرامش دارند؟ فرزند شما با شنیدن کلمات رکیک پدر و دیدن صحنه های وحشتناکی که شرح داده اید، چگونه آرامش داشته؟ بچه ها، حتی از سنین خیلی پایین، تمامی کدهای رفتاری والدین خود را دریافت می کنند و حتی اگر شخصا شاهد خشونت نباشند، جو سنگین و ناخوشایند خانه روی آنها تاثیری ماندگار بر جای می گذارد.

بچه سنگ صبور مادر نیست

به کرات دیده می شود که مادران قربانی خشونت به دلیل بی پناهی، برای حمایت عاطفی به فرزندان خود مراجعه می کنند. اینکار اصلا صحیح نیست. بچه قرار نیست سنگ صبور مادرش باشد. او برای اینکار خلق نشده بلکه خود نیازمند حمایت عاطفی مادر است. در ادبیات تحقیق، از این کودکان به عنوان Parentified Child (فرزندی که نقش والد به خود گرفته)، یاد می شود. این بچه ها معمولا سلامت روان خوبی ندارند و در روابط بزرگسالی خود دچار مشکل می شوند. اگر کودک شما بسیار بالغانه رفتار می کند و مشکلات شما را حل می کند، به جای احساس غرور باید احساس نگرانی کنید. او باید مناسب سنش رفتار کند. انحراف از این مسیر به هر سمت آسیب زاست. یعنی بچه نباید کوچکتر از سن خود و یا بزرگتر از سن خود رفتار کند.

قربانیان خشونت خانگی باید بدانند که هیچ کس در اثر تحمل این وضعیت، موفق به تغییر الگوی خشونت نشده است. آنها باید مسئولیت نجات خود را به عهده بگیرند و دست به عمل بزنند. کار آسانی نیست ولی از وضعیت فعلی آنها بهتر است. حتی در کشوری مثل ایران، که قانون از زنان خشونت دیده حمایت لازم نمیکند، دست آنها کاملا بسته نیست.

پرسش و پاسخ قبلی را بخوانید: [زنگ خطر خشونت خانگی](#)